

Unit 1

(Vocabulary Exercises) (تمرینات واژگان: صفحه ۴-۳)

قسمت A: جای خالی را با کلمات داده شده پر کنید.

ترجمه جمله	پاسخ
هوایما به طور واژگون و برعکس با سرعت بالا پرواز می کرد.	۱- <u>upside down</u>
سعی کردم تکه ها را با چسب به یکدیگر بچسبانم.	۲- <u>stick</u>
متر واحد استاندارد اندازه گیری طول است.	۳- <u>measuring</u>
لباس قشنگی دارم ولی فقط در روزهایی خاص آن را می پوشم.	۴- <u>wear</u>
پلیس ها از او خواستند که دقیقاً آنچه را که دید توصیف کند.	۵- <u>exactly</u>
از بالای تپه می توانستیم خانه مان را در جنگل ببینیم.	۶- <u>woods</u>
آیا میتوانید این جعبه را بلند کنید؟ – بستگی دارد به این که چقدر سنگین باشد.	۷- <u>lift</u>
دانشمندان کشف کرده اند که چگونه زلزله را پیش بینی کنند.	۸- <u>discovered</u>

قسمت B: تست های چهار گزینه ای واژگان

ترجمه جمله	پاسخ
آیا تصمیم گرفته اید که تعطیلات سال آینده به کجا بروید؟	۱- <u>c. decided</u>
وزنم کم می شود وقتی که از خوردن قند و شکر و چربی دست بر می دارم.	۲- <u>a. weight</u>
این شهر تقریباً در طی جنگ ویران شد.	۳- <u>d. almost</u>
کت بارانی می تواند از پوشنده آن در مقابل باران محافظت کند.	۴- <u>b. raincoat</u>
بینایی در شب بسیار خوب است. می تواند ببیند وقتی هوا تاریک است.	۵- <u>a. vision</u>

قسمت C: مترادف ها Synonyms

سنگینی	heaviness = weight	۱- وزن
استفاده از ذهن	to use the mind = think	۲- فکر کردن
در صورتی که	in case = if	۳- اگر
تا حد زیاد	to a larger degree = widely	۴- به طور گسترده
افتادن	drop down = fall	۵- افتادن
پوششی برای سر	a covering for the head = hat	۶- کلاه

قسمت D: متضاد ها Antonyms

دقیقاً	exactly ≠ almost	۱- تقریباً
ضعیف	weak ≠ powerful	۲- قوی
در آوردن لباس و کلاه	take off ≠ wear	۳- پوشیدن
خطرناک	dangerous ≠ safe	۴- ایمن و بی خطر

Unit 2

(Vocabulary Exercises) (تمرینات واژگان: صفحه ۱-۹)

قسمت A: جای خالی را با کلمات داده شده پر کنید.

ترجمه جمله	پاسخ
اجازه می دهید خودم را معرفی کنم؟ نامم مگ جانسون است.	1- <u>introduce</u>
سعی می کرد با آب سرد آب پاشی کند به خواهرش.	2- <u>splash</u>
وقتی که یکدیگر را ملاقات می کنیم، معمولاً دست می دهیم.	3- <u>shake hands</u>
روغن و سرکه میل دارید روی سالادتان؟	4- <u>vinegar</u>
فکر می کنید این بطری چقدر مایع دارد؟	5- <u>liquid</u>
پزشک مرا توصیه کرد که برای استراحت در حمام آب گرم فرو بروم (غوطه ور شوم).	6- <u>soak</u>
برای نشان دادن احترام خم شد (تعظیم کرد) و سریعاً صحنه را ترک کرد.	7- <u>bowed</u>
بکار برید این کرم را در آن نواحی هر سه ساعت و بعد از شنا.	8- <u>apply</u>

قسمت B: تست های چهار گزینه ای واژگان

ترجمه جمله	پاسخ
مرتباً با کف دست به پشت او با دست زد (نوازش کرد).	1- <u>c. patted</u>
ماه ها بعد از تولد دخترش از بی خوابی رنج می برد.	2- <u>a. insomnia</u>
با سوختگی شدید به بیمارستان برده شد.	3- <u>d. burns</u>
برای خشک کردن بینی و چشمانتان از دستمالی استفاده می کنید.	4- <u>b. handkerchief</u>
مخلوط ساده قند و آب می تواند جان بسیاری را در نقاط جهان نجات دهد.	5- <u>a. mixture</u>

قسمت C: مترادف ها Synonyms

گذاشتن	put = leave	1- باقی ماندن، گذاشتن
خوشامد گویی به کسی	welcome someone = greet	2- احوالپرسی کردن
گروهی از درختان	group of trees = woods	3- جنگل
تعدادی، مقداری	some = several	4- چندین
مکرراً، بارها	frequently = often	5- اغلب
شناساندن	make known = introduce	6- معرفی کردن

قسمت D: متضاد ها Antonyms

بسیار، زیاد	much; a lot ≠ slightly	1- اندکی
آخرین	last ≠ first	2- اولین
جامد	solid ≠ liquid	3- مایع
کم	few ≠ several	4- چندین

Unit 3

(Vocabulary Exercises) (تمرینات واژگان: صفحه ۱۸-۱۷)

قسمت A: جای خالی را با کلمات داده شده پر کنید.

ترجمه جمله	پاسخ
سربازان باید همیشه <u>فرامین</u> را انجام دهند.	1- <u>commands</u>
باید بابت این مسائل امروز <u>عذرخواهی</u> کنیم.	2- <u>apologize</u>
مطمئن نیستم چه می کردم اگر در <u>موقعیت</u> شما بودم (جای شما بودم).	3- <u>position</u>
تعداد <u>مساوی</u> پسر و دختر در این کلاس وجود دارد.	4- <u>equal</u>
رهبر کسی است که گروهی از مردم را هدایت می کند.	5- <u>leader</u>
نمی دانم برایش چه بخرم. آیا <u>پیشنهادی</u> دارید؟	6- <u>suggestions</u>
والدینم در مورد چیزهایی که خیلی مهم نیست <u>جرّ</u> و بحث می کنند.	7- <u>argue</u>
در مورد آنچه که در خیابان اتفاق افتاد، <u>اغراق</u> و <u>مبالغه</u> کرد (لاف زد).	8- <u>bragged</u>

قسمت B: تست های چهار گزینه ای واژگان

ترجمه جمله	پاسخ
مادرم هفتاد و پنج ساله است ولی هنوز هم بسیار <u>فعال</u> بود.	1- <u>a. active</u>
نامه ای از آنها <u>بعداً</u> دریافت کردیم.	2- <u>d. later</u>
افراد برای تغییر شغل شان <u>دلایل</u> مختلفی ارائه می کنند.	3- <u>b. reasons</u>
<u>رابطه</u> اش با دوستانش هرگز خیلی خوب نبوده است.	4- <u>c. relationship</u>
<u>فعالیت</u> فیزیکی و جسمی به مردم برای کنترل وزنشان کمک می کند.	5- <u>a. activity</u>
<u>کِن</u> که دو سال از من بزرگتر بود، <u>رهبرمان</u> بود.	6- <u>b. leader</u>
<u>رابطه</u> بسیار خوبی با والدینم دارم.	7- <u>c. relationship</u>

قسمت C: مترادف ها Synonyms

گاهی اوقات	sometimes = from time to time	1- گهگاه
دوباره	again = once more	2- یک بار بیشتر
کلاً، به طور کلی	in general = usually	3- معمولاً
احساس	feeling = emotion	4- عاطفه، احساس

قسمت D: متضاد ها Antonyms

قوی	powerful ≠ weak	1- ضعیف
با هم	together ≠ alone	2- تنها
بالا، زیاد	high ≠ low	3- پایین، کم
کوچک	small ≠ large	4- بزرگ

Unit 4

(تمرینات واژگان: صفحه ۲۷-۲۴)

قسمت A: جای خالی را با کلمات داده شده پر کنید.

ترجمه جمله	پاسخ
آیا امروز نگران سلامتی او هستید؟	1- <u>worried</u>
از کلاس امروزم <u>صرف نظر</u> کردم و به شنا رفتم.	2- <u>skipped</u>
از ماشین تان باید وقتی استفاده کنید که <u>لازم و ضروری</u> است.	3- <u>essential</u>
آن ماشین را <u>نخرید</u> . بنزین زیادی <u>مصرف</u> می کند.	4- <u>consumes</u>
هر وقت در ماشین هستید، <u>کمر بند</u> <u>صندلی</u> تان را ببندید.	5- <u>seat belt</u>
آن بچه به قدری <u>لاغر</u> بود که می توانستید <u>استخوان</u> هایش را ببینید.	6- <u>bones</u>
جورج می خواهد شغلی <u>سخت و پُرچالش</u> (چالش برانگیز) را انتخاب کند.	7- <u>challenging</u>
این <u>تمرین و نرمش</u> ماهیچه های پایتان را <u>تقویت</u> می کند.	8- <u>exercise</u>
همسرش <u>پارسال</u> از <u>حادثه مغزی</u> فوت کرد.	9- <u>brain</u>
پزشکان از مردم می خواهند که مقدار <u>نمک</u> <u>غذایشان</u> را <u>کم</u> کنند.	10- <u>reduce</u>

قسمت B: تست های چهار گزینه ای واژگان

ترجمه جمله	پاسخ
او در بیمارستان تحت <u>درمان</u> بیماری پوستی بود.	1- <u>c. treated</u>
او دختری را از افتادن در آب <u>نجات</u> داد.	2- <u>d. saved</u>
فعالیت های <u>کششی</u> قبل از انجام تمرینات سخت فکر خوبی است.	3- <u>a. stretching</u>
زندگیش از زمانی که به این شهر آمده، <u>بهبود</u> یافته است.	4- <u>b. improved</u>
با آرامی صحبت کنید و از لغات <u>ساده</u> استفاده کنید تا همگان درک کنند.	5- <u>c. simple</u>
ماهی ویتامین و <u>مواد معدنی</u> زیادی دارد.	6- <u>d. minerals</u>
باید پوست تان را برای آنکه کمتر خشک شود، هر روزه <u>مرطوب</u> کنید.	7- <u>d. moisturize</u>
تکنولوژی و فناوری <u>گران</u> است. <u>علاوه بر این</u> ، مشکلات و مسائل دیگری وجود دارد.	8- <u>a. Moreover</u>

قسمت C: مترادف ها Synonyms

دوری از خطر	take away from danger = save	1- نجات دادن
بیماری، مریضی	sickness = disease	2- بیماری، مریضی
به علاوه، علاوه بر این	besides = moreover	3- به علاوه، علاوه بر این
مراقبت کردن	take care of = treat	4- درمان و معالجه کردن
بسیار پیر	very old = over the hill	5- پیر، سالخورده، آفتاب لب بام
احتمال دارد	probable = possible	6- ممکن، محتمل

قسمت D: متضاد ها Antonyms

ناخوش	unwell ≠ healthy	1- سالم و تندرست
احتمال ندارد، نامحتمل	unlikely ≠ possible	2- احتمال دارد، ممکن و محتمل
ماکزیمم، حداکثر	maximum ≠ minimum	3- مینیمم، حداقل
کشیدن	pull ≠ push	4- هل دادن و فشار دادن